

کارنامه فعالیت‌های حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده کودک و نوجوان در یک نگاه

وقتی تاریخ داستان می‌گوید



زینب مرتضایی‌فرد

نویسنده

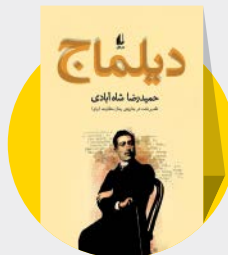
می‌گویند بعضی چیزها با آدم به دنیا می‌آید، هر کاری کنی هم آن قدر با تو می‌آید و می‌آید که می‌بینی رهایی نداری... آنها که اهل نوشتن هستند، خوب می‌دانند در این یک فقره کلمه‌ها چه توانایی عجیبی دارند که با تو بیایند و رهایت هم نکنند. همین طوری است که در ادامه‌اش بعضی‌ها می‌بینند بخوانند و نخواهند سرنوشت‌شان با نوشتن گره خورده و همراه همیشگی یکدیگرند. اصلاً این‌طور بگویم که نوشتن به خصوص از نوع شعر و داستان‌ش با بعضی‌ها می‌آید و برای همیشه هم می‌ماند.

حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده و پژوهشگر یکی از همین آدم‌هاست. هر چند از بیست و چند سالگی نوشتن را به‌طور رسمی شروع کرده اما باور کنید از اولش هم کلمه‌ها تعقیبش می‌کرده‌اند تا بالاخره همراه‌شان شده و حالا سال‌هاست همراهی شیرینی با هم دارند که هم خودشان لذت می‌برند و هم ما خوره کتاب‌ها. شاه‌آبادی در جوانی به هنر داستان‌نویسی علاقه‌مند شده و بدون بهره‌گیری از هر نوع استاد یا آموزش، دست به نوشتن چند داستان زده، همزمان تجربه‌هایی را هم در حوزه‌های سینما و تئاتر از سر گذرانده و از سال ۱۳۶۸ خودش را وقف نوشتن کرده است. اولین داستانش برای بزرگسالان و در یک مجله هفتگی چاپ شده و «قبل از باران» نام داشته، داستان تنهایی دختری روستایی که با شوهرش به تهران می‌آید و در این شهر غریب است، یک شب بعد از دعوا با شوهرش به قهر از خانه بیرون می‌زند اما چون جایی برای رفتن ندارد بعد از پشت سر گذاشتن چند حادثه

به خانه برمی‌گردد.

تجربه فعالیت در کسوت معلمی طی یک دوره پنج ساله و همچنین فعالیت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شاه‌آبادی را به نوشتن برای کودکان و نوجوانان علاقه‌مند کرد و او را به سمت نوشتن برای این گروه سنی سوق داد. او اکنون عضو هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است و آثار موفقی در این حوزه دارد که جوایز و مخاطبان بسیاری برایش به همراه داشته است. خیلی‌ها می‌نویسند اما آنها که در این میان نگاه و سلوک خاص خودشان را پیدا می‌کنند، همان‌هایی هستند که می‌شوند صاحب سبک و مورد توجه قرار می‌گیرند. شاه‌آبادی هم یکی از آنهاست، اما چه مسیری را می‌رود؟ او دانش آموخته رشته تاریخ است و طبیعتاً هم علاقه‌مند وقایع تاریخی. در داستان‌هایش میان تاریخ و ادبیات داستانی ارتباط خوبی برقرار می‌کند و در بیشتر داستان‌هایش نگاهی تاریخی دارد؛ حتی اگر همه وقایع داستان در دوره معاصر بگذرند، باز هم ردپای تاریخ هست و گوشه‌وکنار همه ماجرا قدم می‌زند. در پژوهش‌های تاریخی هم رعایت مستندات به حوادث و شخصیت‌ها همچون حوادث و شخصیت‌های داستانی نگاه می‌کند و روایتی نزدیک به داستان از یافته‌هایش ارائه می‌دهد. نویسنده‌ای نه‌چندان پرکار از نظر حجم فعالیت‌ها و البته پرکار از نظر کیفی. شاه‌آبادی از آن دسته نویسندگانی است که آرام و صبور کتاب منتشر می‌کند و هیچ عجله‌ای ندارد برای این‌که صاحب یک رزومه طولانی شود بلکه وقت می‌گذارد برای این‌که کتاب‌هایی داشته باشد با کیفیت و دربردارنده تاریخ و فرهنگ ایران برای یک گروه سنی حساس؛ کودکان و نوجوان‌ها.

دیلماج، افق (۱۳۸۵)



جایزه ادبیات «واو» و جایزه شهید غنی‌پور را از آن خود کرده و آن قدری هم شناخته شده است که نامش در خاطرم بماند. رمانی تاریخی که با فاصله‌گذاری، مسخ شخصیت اصلی‌اش را از لابه‌لای روزنوشت‌ها و حوادث دوران قاجار و مشروطه روایت می‌کند. دیلماج با طرح داستانی جذاب و تعلیقی که بانتر قجری و ماهرانه شاه‌آبادی در سراسر کتاب پخش شده است، بستن کتاب را برای خواننده‌اش سخت می‌کند.

دایره زنگی (۱۳۸۵)



هفت داستان در فضای جنگ با فضاهایی چالشی و متفاوت از معمول داستان‌های جنگ. این اولین مجموعه داستان منتشر شده از شاه‌آبادی است و نشان می‌دهد او پرداختن به جنگ به عنوان یک واقعه تاریخی را خوب می‌شناسد و می‌تواند آن را در قالب داستان به روایتی شسته رفته و جذاب بدل کند.

اعترافات غلامان

کانون پرورش فکری (۱۳۸۹)



شاه‌آبادی این‌بار سراغ سفر امام‌رضا(ع) می‌رود و روایت را از زبان غلامان پی می‌گیرد. اثری با تمرکز بر مخاطب نوجوان که خواندنش برای دیگر مخاطبان نیز لذتبخش و جذاب خواهد بود. «اعترافات» هم جایزه اول جشنواره کتاب کودک و نوجوان و هم کتاب سال رضوی را از آن خود کرده است.

هیچ کس جرأتش را ندارد

کانون پرورش فکری (۱۳۹۲)



روایتی پرتعلیق از ورود به قلعه‌ای مخوف و جن‌زده که با فاصله‌گذاری، حرکت در زمان و تغییر راوی، اثری به یادماندنی برای هر نوجوانی خواهد بود. استفاده از عناصر وحشت و پایان پیش‌بینی‌ناپذیر این داستان، ما را مجاب می‌کند که این اثر را در زمره بهترین آثار شاه‌آبادی قرار دهیم. این بار هم سایه تاریخ و جنگ، خود را در داستان نشان می‌دهد تا شاه‌آبادی خود را به عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک و با جایگاهی ویژه در رمان تاریخی و نوجوان به همگانقبولاند.

کافه خیابان گوته، افق (۱۳۹۴)



خود را برای رمانی سوررئال، تاریخی و چالش‌برانگیز آماده کنید. شاه‌آبادی، تاریخ جریان چپ را در قالب روایتی تاریخی از گروهی جوان آرمانخواه، فشرده می‌کند و با فاصله‌گذاری‌های برتولت برشتی، روایتی برپا می‌کند که برای خواننده خورگرفته به آثار معمول ادبیات داستانی فارسی، غریب می‌نماید. لحن آبیرونیك و طنز گروتسک و عدم قطعیت‌های برآمده از نگاه مورخانه نویسنده، «کافه خیابان گوته» را به اثری متمایز مبدل می‌کند. کافه خیابان گوته، پختگی شاه‌آبادی در نوشتن رمانی تاریخی را نشان می‌دهد. جایی که نویسنده حتی قصه مثلث عشقی شخصیت‌هایش را هم با سردی برگزارد می‌کند و برایان پایانی سردتر یا نه، پایانی سوزاننده را فراهم کرده است.

لالایی برای دختر مرده، افق (۱۳۸۶)



این کتاب را می‌توان از مهم‌ترین و بهترین آثار شاه‌آبادی برای گروه سنی نوجوان دانست. «لالایی برای دختر مرده» برگزیده نظرسنجی بهترین رمان نوجوان روزنامه اعتماد و برنده جایزه اول کتاب کودک و نوجوان شده است. خوانندگان نوجوان و بزرگسال این اثر، طرح داستان درخشان و روایت ماهرانه‌اش را با رفت و برگشت‌های تاریخی، فراموش نخواهند کرد. شاه‌آبادی بسیار استادانه، قصه دختران قوچان را به معضل‌های دختران امروز گره می‌زند و ما را با کامی تلخ، میان تاریخ و فانتزی و ابهام‌رها می‌کند تا سایه سنگین تاریخ را در همه وجوه زندگی‌مان حس کنیم.

وقتی مژی گم شد، کانون پرورش فکری (۱۳۹۱)



در میان آثار شاه‌آبادی، اثری کوتاه و کمتر دیده شده اما بسیار درگیرکننده، خواندنی و پرتعلیق است. شاه‌آبادی مهارت خود را در ترفندهای داستان‌نویسی، استادانه به کار می‌برد تا معضلی معاصر میان دختران نوجوان بکاود. این اثر، برنده جایزه اول جشنواره رشد، باتمپو و ریتم مناسب و با همان عدم قطعیت همیشگی آثار شاه‌آبادی است. اثری که باید بیش از این، مورد توجه قرار بگیرد.

پژوهش‌های تاریخی

شاه‌آبادی در کنار آثار داستانی‌اش همواره پژوهش‌هایی در زمینه تاریخ نیز داشته است که از آنها می‌توان به تاریخ آغازین فراماسونری در ایران (سوره مهر)، نهضت مشروطه (از مجموعه تاریخ فکر ایرانی، افق) و زمینه‌های تاریخی خلق کتاب پیترو شلخته (هاینریش هافمن، مقاله) اشاره کرد.